

بو طيقای ژيژک

چهار مقاله و شرح آن ها

محمد صادق صادقی پور



تقدیم به اسلاوی زیژک

و همه اندیشه‌ورزانی که با تفکر انتقادی در راه

آزادی انسان از حصار بردگی، گام برمی‌دارند...

۴

پایان تلقیه

سروش‌نامه: صادقی‌پور، محمدصادق، ۱۳۵۸ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: بوئیقای زیژک، چهار مقاله و شرح آنها / محمدصادق
صادقی‌پور

مشخصات نشر: تهران: بنگاه نشر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۲۰۷ ص.

شابک: ۹۷۸۹۶۲۳۱۰۹۹۹۰۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

عنوان دیگر: چهار مقاله و شرح آنها

موضوع: زیژک، اسلاوی، ۱۹۲۹ - م - نقد و تفسیر

موضوع: زیژک، اسلاوی، ۱۹۲۹ - م - نظریه در باره سینما

موضوع: سینما - نقد و تفسیر - مقاله‌ها و خطابه‌ها

شناسه افزوده: زیژک، اسلاوی، ۱۹۲۹ - م

شناسه افزوده: Zizek, Slavoj

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۳۳ص ۱۳۹۲/۳۷۸۷ BT

رده‌بندی دیویی: ۱۹۹/۲۹۷۳

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۲۸۰۹۳۰۶



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهیدان زاندارمیری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰۸۶۴۰ - ۶۶۴۰۸۶۴۰

محمدصادق صادقی پور

بو طیفای زریک

چهار مقاله و شرح آنها

چاپ سوم

۵۵۰ نسخه

۱۳۹۹

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۷ - ۹۹۹ - ۳۱۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 311 - 999 - 7

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۲۸۰۰۰ تومان

فهرست

۷ مقدمه
۱۳ ۱. روانکاری و سینما
۲۸ مرگ و دوشیزه
۵۷ ۲. فلسفه و سینما
۷۲ ژیزک و پسا مدرنیسم
۸۶ ابژه مستهجن پسا مدرنیته
۸۶ گسست پسا مدرنیته
۹۷ دیوان سالاری و کف
۱۱۳ ۳. سیاست و سینما
۱۲۰ فانتری به مثابه مفوله‌ای سیاسی: رهیافتی لاکانی
۱۴۹ ۴. مطالعات سینمایی
 آیا راهی درخور برای بازسازی فیلمی از هیچکاک وجود
۱۵۲ دارد؟
۱۵۵ ستوم هیچکاک

۱۶۴ مورد نگاه خیره گمشده

۱۷۱ پایان‌های چندگانه

۱۷۶ بازسازی ایدئال

۱۹۲ فهرست منابع

۱۹۵ نمایه

nikhnam.com

مقدمه

اسلاوی ژیزک، متولد ۲۱ مارس ۱۹۲۹ جامعه‌شناس، فیلسوف پسا مدرن و منتقد فرهنگی اسلونیایی است. او در لیوبلیانا، پایتخت اسلونی (که در آن زمان بخشی از کشور یوگسلاوی بود) و در خانواده‌ای بوروکرات از طبقه متوسط متولد شد. اسلونی که متولد و شکل‌گیری شخصیت اوست، مانند ماتریسی است که آغاز و بخش مهمی از فعالیت روشنفکری و سیاسی او را در خود جای می‌دهد. او در رشته‌های جامعه‌شناسی و فلسفه به تحصیل پرداخت و دکترای فلسفه را از دانشگاه لیوبلیانا و، بعدها، دکترای روانکاوی را از دانشگاه پاریس زیر نظر ژاک آلن میلر، داماد و دوست بسیار نزدیک ژاک لاکان، و فرانسوا رنو دریافت کرد. در همان دوران دانشجویی، ژیزک از تعلیمات رسمی مکتب فرانکفورت که در آن زمان بسیار فراگیر شده بود و نیز جریان مخالف‌خوان سنت هایدگری رویگردان شد و به نظریه‌هایی روی آورد که خاستگاهشان در فرانسه بود.

در اوایل دهه ۱۹۷۰، او و دیگر همفکرانش به گروهی از اندیشمندان

فرانسوی مانند لاکان، دریدا، آلتوسر و فوکو علاقه‌مند شدند و شروع به ترجمه و انتشار افکار آنان در یکی از ماهنامه‌های فرهنگی اسلوانی به نام پروملی کردند و در اواخر دهه ۱۹۷۰، انتشار مجموعه کتاب‌هایی با عنوان آنالکارا آغاز کردند که همان روند چاپ مجموعه آثار مهم از اندیشه‌های ژاک لاکان و ترجمه‌هایی در این زمینه را دنبال می‌کرد. شروع زندگی کاری ژیزک به دلیل محیط سیاسی دهه ۱۹۷۰ یوگسلاوی چندان بسامان نبود. در سال ۱۹۷۵، زمانی که پایان‌نامه فوق‌لیسانسش با عنوان «مناسبت‌های نظری و عملی ساختارگرایی فرانسوی» از نظر سیاسی مورد سوءظن قرار گرفت، از اشتغال او در دانشگاه لیوبلیانا ممانعت به عمل آمد. او در این پایان‌نامه به تحلیل نفوذ روزافزون اندیشه‌پردازان فرانسوی مانند ژاک لاکان، ژاک دریدا، ژولیا کریستوا، ژیل دلوز و کلود لوی استروس پرداخته بود. پس از حذف شدنش از نظام دانشگاهی، از نظر فعالیت حرفه‌ای فکری دوران فترتی را از سر گذراند و در ارتش یوگسلاوی خدمت سربازی‌اش را انجام داد. او در این زمان برای گذران زندگی به ترجمه متون فلسفی از زبان آلمانی پرداخت.

ژیزک در سال ۱۹۷۷ وارد کمیته مرکزی اتحادیه کمونیست‌های اسلوانی شد و به مطالعات فلسفی جدی‌تر نگریست. در همان زمان، انجمن روانکاوی نظری تأسیس شده بود که کاملاً زیر نفوذ گرایش تماماً لاکانی قرار داشت و البته تأسیس و فعالیت این انجمن به بهای تعارض با لاکانی‌های نامتعارف‌تر تمام شده بود. داشتن گرایش متعارف لاکانی برجسی بود که بر، به اصطلاح، مکتب روانکاوی اسلوانی یا لیوبلیانا الصاق شده بود؛ که تمایل به جانب دغدغه‌های فلسفی و عدم ارتباط با روانکاوی بالینی که در کلینیک‌ها انجام می‌شد، از ویژگی‌های آن بود. مکتب لاکانی اسلوانی که میرام بوزوویچ، دراکو کوبه، ملادن دالر، رنانا

سالکل و آلتکا زویانچیز از جمله اعضای آنند، در سه زمینه اصلی فعالیت می‌کند:

۱. خوانش‌های لاکانی از فلسفه کلاسیک و مدرن (به‌ویژه آثار ایدئالیست‌های آلمانی)؛
۲. تلاش در جهت شرح دادن نظریه‌های لاکانی در زمینه ایدئولوژی و قدرت؛
۳. تحلیل‌های لاکانی از فرهنگ و هنر (به‌ویژه سینما).

در آغاز، اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰، مناسبات بین‌المللی این مکتب عمدتاً با فرانسه و مدرسه فرویدی ژاک آلن میلر بود، اما بعدها به جانب دنیای انگلیسی‌زبان معطوف شد. به‌رغم این‌که این گروه اعتباری بین‌المللی به دست آورده است، جامعه اندیشه‌ورز اسلورونی در برابر پذیرش آن‌ها مقاومت می‌کند تا حدی که هنوز نتوانسته‌اند به‌طور کامل فعالیت‌هایشان را در درون کشور جنبه قانونی ببخشند و لذا هنوز در نهادها و سازمان‌های مختلف پراکنده‌اند. از این گذشته، با وجود فعالیت‌هایی که ذکر شد، در اسلورونی این گروه بیش از آن‌که به دلیل فعالیت‌های روشنفکری‌اش مشهور باشد، گروهی با فعالیت‌های سیاسی شناخته می‌شود.

جریان مخالفی را که در اسلورونی در برابر رژیم کمونیستی وجود داشت، می‌توان به شاخه‌های متعددی تقسیم کرد؛ نویسندگان ملی‌گرا با گرایش‌های هایدگری، گروه‌های طرفدار حقوق مدنی متعلق به جناح چپ جدید و گروه‌های روشنفکری کاتولیک. این ترکیب ناهمگون با شکل‌گیری نظام دموکراتیک پس از پایان کمونیسم به مزیتی برای کشور اسلورونی تبدیل شد. این امر به اسلورونی کمک کرد تا از دچار شدن به سرنوشتی مشابه کرواسی و صربستان بگریزد که در آن‌ها احزاب

ملی‌گرای منفرد ادارهٔ سلطه‌طلبانهٔ ساختار قدرت را در دست داشتند. در اسلوانی، گروه لاکانی خود را از نظر سیاسی در شاخهٔ چپ حزب لیبرال-دموکرات جای داد که مخالف جنبش حقوق مدنی به حساب می‌آمد و موضعی کاملاً ضد ملی‌گرایانه داشت. در نخستین انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۹۸۹، اسلوانی ژیزک یکی از نامزدهای انتخاباتی بود که البته حمایت حزب لیبرال-دموکرات از گروه او مشخصاً با هدف تاکتیکی جلوگیری از افتادن قدرت به دست ملی‌گرایان دست‌راستی انجام شد. موضع گروه لاکانی‌های اسلوانی گرایش مارکسیستی تمام‌هیاری محسوب می‌شود.

در حال حاضر، ژیزک پژوهشگر ارشد مؤسسهٔ جامعه‌شناسی در دانشگاه لیوبلیانای اسلوانی است. او همچنین استاد مهمان دانشگاه‌های شیکاگو، کلمبیا، کنسرسیون لندن، پرینستون، مینه‌سوتا، کالیفرنیا، ایروین و میشیگان هم بوده و در حال حاضر مدیریت بین‌الملل مؤسسهٔ علوم انسانی بیرک‌بک در دانشگاه لندن را عهده‌دار است.

سه قطب اصلی دستگاه تحلیلی ژیزک سه اندیشمند اروپایی یعنی هگل، مارکس و لاکان است. ژیزک فلسفهٔ رادیکال است که پارادایم‌های ژاک لاکان در روانکاوی، گئورگ ویلهلم فریدریش هگل در فلسفه و کارل مارکس در سیاست را در دستگاه فکری منحصربه‌فرد خود ترکیب کرده و پیچیدگی ذاتی آنها را با آوردن مصداق‌هایی از فرهنگ عامه و سینما ساده‌تر ساخته و، به این ترتیب، تصویر خشک و مغلق‌نمای همیشگی فلسفه را از آن زدوده و آن را به حوزه‌ای جذاب برای گسترهٔ وسیع‌تری از مخاطبان تبدیل کرده است.

این درهم‌آمیختن فلسفهٔ متعالی با جلوه‌های مبتذل فرهنگ عامه‌پسند در حقیقت ترکیب مباحثات متفاوتی است که به خلق دستگامی

میان‌رشته‌ای منجر می‌شود که کار ژیزک را به دنیای فردریک جیمسون نزدیک می‌کند که از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های دنیای پسا مدرن امروز را آمیزش فرهنگ متعالی و فرهنگ عامه‌پسند می‌داند و تحلیل‌های انتقادی او نیز در چارچوب یک دستگاه فکری میان‌رشته‌ای شکل می‌گیرد.

کتاب حاضر شامل چهار مقاله نسبتاً مفصل از اسلاوی ژیزک است که به چهار وجه مهم فعالیت اندیشه‌ورزی ژیزک یعنی روانکاوی، فلسفه، سیاست و مطالعات سینمایی می‌پردازد و البته فصل مشترک هر چهار مقاله محوریت سینما در آنهاست و فکر می‌کنم در میان‌انبوه آثار منتشر شده در خصوص ژیزک، جای خالی‌شان احساس می‌شود.

www.farhangnam.com